
مهار مستند در بستر کنترل کتابشناختی در محیط الکترونیکی^۱

مایکل گورمن

مترجم: (۱) عبدالرسول خسروی (۲) محسن حاجی‌زین‌العابدینی

چکیده: [این مقاله] مهار مستند و مهار واژگانی و جایگاه و کاربرد آن‌ها در فهرست‌نویسی نوین را تعریف می‌کند. رکوردهای مستند، فایل‌های مستند و کاربرد و اهداف هر یک را مورد بحث قرار می‌دهد. ایجاد رکوردهای مستند و منابعی که داده‌های مستند از آن جمع‌آوری می‌شود را توصیف می‌کند. درباره طرح‌های «فراداده‌ای» و نارسایی‌های متعدد و آشکار آن‌ها بحث می‌کند؛ به رابطه بین دابلین‌کور و خانواده استانداردهای مارک، و به این واقعیت که هر دو چهارچوب‌های استاندارد هستند که اولی ساده و دومی پیچیده و دقیق است اشاره می‌کند. جامعیت و مانعیت را به عنوان عناصر مطلوب در طرح‌های نمایه‌سازی و بازیابی مشخص می‌کند و آن‌ها را با مهار مستند در فهرست‌ها مرتبط می‌سازد. مشکلات فهرست‌نویسی اسناد و منابع الکترونیکی را بحث می‌کند و یک برنامه بین‌المللی در چارچوب «کنترل کتابشناختی جهانی» (UBC)، با استفاده از یک نظام بین‌المللی فهرست‌نویسی توصیفی و بر مبنای یک فایل مستند نام بین‌المللی را پیشنهاد می‌کند و به اقدام فوری درباره پیشنهادهای ارائه‌شده دعوت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فایل‌های مستند، فهرست‌نویسی، فهرست‌نویسی توصیفی، دابلین‌کور، رکوردهای مارک، فراداده، مهار واژگانی

۱. مقدمه

تصوری وجود دارد که به موجب آن، مهار مستند و مهار کتاب‌شناختی، یکسان و دو روی یک سکه‌اند. حداقل از نظر ظاهری، مهار کتاب‌شناختی بدون مهار مستند ناممکن است. فهرست‌نویسی بدون نقاط دستیابی استاندارد شده نمی‌تواند وجود داشته باشد و مهار

مستند، سازوکاری است که از طریق آن به سطح لازم استانداردشدگی می‌رسیم. فهرست‌نویسی به بحث درباره ترتیب، منطق، عینیت، دلالت دقیق، و ثبات می‌پردازد و باید دارای سازوکارهایی باشد که این خواص را محقق کند. نام، عنوان یا موضوع مشابه، هر بار که در رکورد کتابشناختی پدیدار می‌شوند، صرف نظر از این‌که چندبار ظاهر شوند، باید (چه در زبان طبیعی، چه در زبان‌های ساختگی رده‌بندی) نماد^۲ یکسانی داشته باشند. اگر رکوردهای دقیقی از هر نماد مستندشده، شکل‌های متفاوت آن، و استنادهای قبلی و قواعدی که آن نماد بر اساس آن‌ها بنا نهاده شده است (مثلاً مهار مستند) موجود نباشد، دستیابی به استانداردسازی مطلوب و مورد نیاز مقدور نخواهد بود.

بیاپید ابتدا به مبانی فهرست‌نویسی نگاهی بیندازیم. رکورد فهرست‌نویسی شامل سه

بخش است:

- نقطه دستیابی،
- توصیف کتابشناختی،
- امکان یا (امروزه) خودِ مدرک^۳.

نقطه دستیابی، کاربر را به رکورد راهنمایی می‌کند؛ توصیف، این امکان را به کاربر می‌دهد که تصمیم بگیرد آیا مدارک مورد نظر همان‌هایی هستند که فرد به دنبالش بوده؛ و مکان، کاربر را به مدرک مورد نظر وصل می‌کند. این قاعده‌ای ساده و در عین حال عمیق، و مبنای تمامی فعالیت‌های فهرست‌نویسی است. حتی «دابلین کور» نیز که خیلی جدید است، شامل نقاط دستیابی، عناصر توصیفی، و اطلاعات مربوط به مکان است. تمامی عناصر یک مدخل فهرست، استاندارد هستند. توصیف و مکان به شکل استاندارد ارائه می‌شود (در غیر این صورت، قابل درک نیست). استانداردهایی که در توصیف، مراعات می‌شوند (و مهم‌ترین آن‌ها، استانداردهای بین‌المللی توصیف استاندارد کتابشناختی^۴ هستند) و استانداردهای محلی برای تعیین مکان، در دایره شمول مهار مستند قرار نمی‌گیرند. از این‌رو مهار مستند و مهار واژگان مربوط به آن، به نقاط دستیابی و استانداردسازی آن‌ها مربوط می‌شوند. نقطه دستیابی دو کارکرد اصلی دارد: امکان یافتن رکورد را به کاربر فهرست می‌دهد، و رکوردهایی را که دارای یک ویژگی مشترک هستند گرد هم می‌آورد.^۵ به منظور انجام کارکرد نخست، نقطه دستیابی باید استاندارد باشد (بدیهی است که کاربر

همیشه باید *Il gattopardo* را زیر *Giuseppe Tomasi di lampendusa* [Gattopardo] بیابد، نه این که گاهی زیر نقطهٔ دستیابی مذکور و گاهی زیر *Lampendusa, Giuseppe Tomasi di* و/یا زیر ترجمه‌ها یا شکل‌های متفاوت عنوان). این همان چیزی است که به عنوان «مهار واژگان» شناخته شده، یعنی نمایش هر نام (شخصی یا تنالگانی)، عنوان قراردادی، فروست، و نشانهٔ موضوع در یک قالب واحد و استاندارد شده. دلیل این که چرا ما قوانین فهرست‌نویسی توصیفی داریم این است که هر فهرست‌نویس که از آن قوانین پیروی می‌کند باید - به لحاظ نظری - در هر مورد به نتیجهٔ یکسان و استاندارد دست یابد.

۲. رکوردهای مستند

مهار واژگان برای مهار مستند بسیار ضروری است، اما با این که مهم‌ترین اقدام در این زمینه است صرفاً قدم اول به شمار می‌آید. «راپرت برگر»^۶ مفهوم رکورد مستند را به محملی تشبیه می‌کند که حاوی نتایج فعالیت مستندسازی است.^۷ به بیان خلاصه، او می‌نویسد که رکورد مستند دارای پنج جزء است:

- برای ثبت قالب استاندارد هر نقطهٔ دستیابی،
 - برای اطمینان از گرد هم آوردن تمامی رکوردها و نقاط دستیابی مشابه،
 - برای فراهم آوردن رکوردهای فهرست‌نویسی استاندارد شده،
 - برای مستند کردن تصمیمات اتخاذ شده و منابع آن‌ها در خصوص نقطهٔ دسترسی،
 - برای ثبت کردن همهٔ شکل‌های نقاط دسترسی، غیر از آن که به عنوان قالب اصلی انتخاب شده (مثل قالب‌هایی که مرجع، از روی آن ساخته شده).
- من هم مورد زیر را به آن‌ها اضافه می‌کنم:
- برای ثبت رویه‌ها و دیگر کاربردهای نقطهٔ دستیابی استاندارد در راهنمایی فهرستنویسان.

در بسیاری از فهرست‌های برگه‌ای و فهرست‌های پیش از اوپک^۸، رکورد مستند وجود دارد اما تنها به صورت ضمنی و در قالب جزئیات خودِ مدخل‌های فهرست. در فهرست‌های پیوسته، آشکار بودن وضعیت رکوردهای مستند، پیوند داشتن آن‌ها به مدخل‌های فهرست،

و دربرداشتن حداقل عناصری که برای کارکردهای مذکور در بالا لازم است، مطلوب هستند. یعنی باید شامل موارد زیر باشند:

- نقطه دستیابی استاندارد شده؛
- همه حالت‌هایی که ارجاع‌های «نگاه کنید» از روی آن‌ها ساخته شده‌اند؛
- یک ارتباط (ارجاع «هیز نگاه کنید») به همه رکوردهای مستند پیوند داده شده؛
- منابعی که نقطه دستیابی استاندارد، از آن‌ها مشتق شده؛
- سیاهه‌هایی از رویه‌ها و دیگر موارد استفاده قالب استاندارد.

علاوه بر این، در رکوردهای ماشینی پیشرفته، خود رکورد مستند با تمامی رکوردهای کتابشناختی وابسته به خود مرتبط است^۹. پایگاه حاصل از گردآوری تمامی رکوردهای مستند مورد استفاده در فهرست، فایل مستند یا از نگاهی دیگر، اصطلاحنامه نامیده می‌شود.

۳. محتوای رکوردهای مستند از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

بدیهی است که محتوای رکوردهای مستند (شکل مستند، شکل‌های متفاوت، پیوندها، و انواع مختلف یادداشت‌ها) از اهمیت بسیاری برخوردار است. در مواردی که تفاوت‌هایی وجود دارد، همیشه دلیلی برای انتخاب یکی از بین همه وجود دارد. عامل نخست در چنین انتخاب‌هایی، قواعد فهرست‌نویسی مورد استفاده در ناحیه‌ای است که فهرست‌نویسی در آنجا انجام می‌گیرد. از آنجا که ما قواعد فهرست‌نویسی جهانی نداریم (هر چند ویرایش ۲ قوانین فهرست‌نویسی آنگلو-امریکن^{۱۰}، به یک جایگاه جهانی رسیده است)، سیاهه‌های جهانی سرعنوان‌های موضوعی یا نظام‌های رده‌بندی جهانی نداریم، فهرست‌نویسان مناطق مختلف، حتی در مواردی که با جزئیات دقیقاً مشابه کار می‌کنند، نتیجه‌گیری‌های کاملاً متفاوتی دارند. این جزئیات ترکیبی از امور عینی (جزئیات ارائه شده در خود مواد یا در منابع مرجع) و امور ذهنی (تفسیر فهرست‌نویس از قواعد فهرست‌نویسی یا موضوع مدرکی که در دست فهرست‌نویسی است) می‌باشد.

در اینجا به برخی منابع که باید در ایجاد رکوردهای فهرست‌نویسی مورد توجه قرار

گیرند اشاره می‌شود:

- فایل‌های مستند ملی و محلی موجود؛
- قواعد فهرستنویسی قابل کاربرد، سیاهه سرعنوان‌های موضوعی، و ...؛
- مدرک در دست فهرستنویسی؛
- منابع مرجع (در عام‌ترین تعریف از این اصطلاح، یعنی هر منبعی که داده‌های مفیدی مهیا کند).

هر یک از این‌ها باید نسبت به آن‌های دیگر مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرند. برخی منابع، حتی در درون یک دسته، اعتبار بیش‌تری نسبت به دیگر منابع دارند. هیچ منبعی را نمی‌توان همیشه برجسته دانست. به عنوان مثال، زمانی که قواعد فهرستنویسی به فهرستنویس این اجازه را بدهد، می‌توان جزئیات پیداشده در منابع مرجع را جایگزین جزئیات ارائه‌شده در خود مدرک نمود. همچنین یک فایل مستند ملی ممکن است در یک مورد، و یک فایل مستند محلی (به دلیل دانش محلی ویژه) در مورد دیگری، معتبرتر باشند. در درون خود مدرک، ممکن است اطلاعات یافت‌شده در بخشی از آن با اطلاعات یافته‌شده در بخش دیگر مغایر باشد. بالاخره اینکه منابع مرجع، سلسله‌مراتب روشنی دارند. برخی ناشران نسبت به دیگران آثاری با کیفیت بهتر تولید می‌کنند، و خیلی از منابع چاپی نسبت به اکثر منابع الکترونیکی معتبرتر هستند. نتیجه‌ای که از تمامی این‌ها می‌گیریم این است که به فرد فهرستنویسی نیازمندیم که بتواند این ابهام‌ها را با مهارت، قضاوت درست، و حاصل تجربه‌های خود از میان بردارد. «مهارت» در آگاهی از نوع ماده‌ای که فهرستنویسی می‌شود، در آگاهی از قواعد حاکم بر فهرستنویسی، در آگاهی از تفسیرهای صورت‌گرفته از آن قواعد در گذشته، و در آگاهی از قابلیت کاربرد منابع مرجع و قوت و ضعف آن‌ها نهفته است. «قضاوت» درست به معنای توانایی ارزیابی تمامی این عوامل و اتخاذ تصمیم براساس روح موجود در قوانین است در زمانی که این قوانین از ادبیات مبهمی برخوردار هستند. «تجربه» در مجموعه آگاهی از قواعد، خط‌مشی‌ها، و رویه‌هایی نهفته است که در طول سالیان متمادی و بر اثر فهرستنویسی مواد فراوان به دست می‌آید. براساس سه مشخصه ذکرشده، فهرستنویس می‌تواند رکوردهایی تولید کند که واقعاً مستند باشند و برای فهرستنویسان و کاربران کتابخانه، در سراسر جهان نیز مفید باشند.

۴. فراداده و مهار مستند

فراداده که معنای تحت‌اللفظی آن «داده‌هایی درباره داده‌ها» است (که در همین تعریف تحت‌اللفظی، فهرست‌نویسی واقعی را دربرمی‌گیرد)، برگرفته از خواست غیرکتابداران در جهت ارتقای بازیابی‌پذیری صفحات وب و دیگر منابع اینترنتی است. مفهوم اصلی فراداده این است که می‌توان در جستجوی پایگاه‌های اطلاعاتی، بدون اتلاف وقت و نیاز به فرایندهای پرهزینه فهرست‌نویسی استاندارد، به جامعیت و مانعیت مناسبی دست یافت (برای بحث درباره این موضوع به ادامه مقاله توجه کنید)؛ به عبارت دیگر، چیزی بین جستجوی متن آزاد در موتورهای جستجو (که سریع، ارزان و غیرمؤثر است) و فهرست‌نویسی کامل (که بعضی وقت‌ها کند، نیازمند به نیروی انسانی زیاد، گران و بسیار مؤثر است) می‌باشد. با وجود تمامی تلاش‌ها برای رفع این تفاوت‌ها، فراداده نه این است و نه آن و به همین دلیل نتوانسته است موفقیت کسب کند و این عدم موفقیت، معیاری است که تمامی نظام‌های نمایه‌سازی و بازیابی باید با آن سنجیده شوند. اگر پایگاه اطلاعاتی کوچک باشد، هر نظامی می‌تواند مفید واقع شود. معیار واقعی آزمایش پایگاه‌های اطلاعاتی این است که آن‌ها چگونه با میلیون‌ها رکورد کار می‌کنند. فهرست‌ها (حتی فهرست‌هایی در سطوح گسترده جهانی همانند پایگاه اطلاعاتی اسی‌ال‌سی^{۱۱}) نشان داده‌اند که می‌توانند کارآمد باشند. موتورهای جستجو، حتی آن‌هایی که مانند گوگل، نظام‌های به ظاهر پیشرفته‌ای دارند، به طور آشکاری در اداره پایگاه‌های اطلاعاتی بزرگ، ناکارآمد هستند.

پس از مقالات فراوان و همایش‌های متعدد (جریانی که برخی کتابداران فراری از حرفه نیز در آن شرکت داشتند)، یک محصول به ظاهر استاندارد توسط اسی‌ال‌سی به نام «دوبلین کور»^{۱۲} ایجاد گردید و به عنوان نمونه درخشانی از فراداده و آنچه قادر است انجام دهد، معرفی شد. «دوبلین کور» شامل ۱۵ عنصر است که هر یک از آن‌ها معادل کم و بیش یکسانی در رکورد مارک^{۱۳} دارد. همان‌گونه که هر فهرست‌نویس واقعی می‌داند، مارک شامل بیش از ۱۵ فیلد اصلی و فرعی، به علاوه اطلاعات درج‌شده در فیلدهای ثابت رمزدار می‌باشد. به علاوه، برای انواع مختلف انتشارات از کتاب‌ها و ادواری‌ها تا منابع الکترونیکی، قالب‌هایی از مارک وجود دارد که به تنوع نمادها [یعنی برچسب‌ها، فیلدها و...] می‌افزاید. آن‌هایی که از فراداده دفاع می‌کنند و- تلویحاً و صریحاً- بر این باورند که همه جنبه‌های

داده‌های کتابشناختی را می‌توان در ۱۵ دسته جا داد، توجهی ندارند که قالب‌های مارک نتیجه بوالهوسی و هیجان‌های یکباره فهرست‌نویسان نیستند، بلکه برای پاسخگویی به ویژگی‌های واقعی انواع مدارک پیچیده به وجود آمده‌اند. چیزی که ما در اختیار داریم، سیاهه ساده‌انگارانه (از خیلی جهات مبتدیانه) و کوتاهی از دسته‌هایی از موضوع یا برچسب است که انتظار می‌رود برای افرادی که فهرست‌نویس نیستند مورد استفاه قرار گیرد و جایگزین فهرست‌نویسی شود.

متون مربوط به فراداده با ارجاعاتی به «فهرست‌نویسی مارک» (عبارت جاهلانیه‌ای که پوچی مفهوم فراداده را نشان می‌دهد)^{۱۴} پدید آمده است همان‌طور که هر فهرست‌نویسی می‌داند، مارک چهارچوب استاندارد برای حفظ اطلاعات کتابشناختی است. مارک، محتوی فیله‌هایش را تعیین نمی‌کند و تعیین آن را به استانداردهای محتوایی مثل قواعد فهرست‌نویسی آنگلو- امریکن، سرعنوان‌های موضوعی کنگره^{۱۵}، و ... واگذار می‌کند. افرادی- که درباره «فهرست‌نویسی مارک» صحبت می‌کنند آشکارا فکر می‌کنند که فهرست‌نویسی فقط مسئله تشخیص عناصر یک رکورد کتابشناختی بدون معین نمودن محتوای آن عناصر است. بر این اساس، روشن است که آن افراد واقعا نفهمیده‌اند فهرست‌نویسی چیست. مهم‌ترین چیز درباره کنترل کتابشناختی، «محتوا» و ماهیت کنترل شده آن محتوا است و نه نشانه‌های آن محتوا. در نتیجه، وقتی که تمام جنجال‌ها به پایان برسد و پیشروان و شاهان فراداده سخن خود را به پایان برسانند، ما می‌مانیم با پیشنهاد نامعقولی مبنی بر این که یک زیرمجموعه ۱۵ فیلدی از رکوردهای مارک- بدون تعیین چگونگی پرکردن آن‌ها توسط غیر فهرست‌نویسان- جایگزینی برای فهرست‌نویسی واقعی است. نکته این است که فراداده و دوبلین کور به مدت پنج سال به این شکل تهوع‌آور مورد بحث قرار گرفته‌اند و افراد معدودی به این نقص آشکار اشاره کرده‌اند و این بحث، داستان آن پسر بچه و پادشاه عربیان را به یاد می‌اندازد^{۱۶}. اما در این ماجرا، پادشاه- دست کم در حال حاضر- بدون لباس (یعنی محتوای کنترل شده) در حال قدم زدن است.

۵. مهار مستند و محتوای رکوردهای کتابشناختی

حتی اگر تعداد محدود و ماهیت دسته‌بندی‌های پیشنهادشده برای دوبلین کور و دیگر طرح‌های فراداده‌ای را نادیده بگیریم، آن‌ها فاقد مفاهیم مهار واژگان و عمل مستند- به عنوان ابزاری که واژگان مهارشده به مدد آن‌ها اجرا و نگهداری می‌شوند- هستند. با توجه به ساختارهای پیچیده رکوردهای کتابشناختی و نیاز به استاندارد کردن محتوای آن‌ها، بدیهی است که دوبلین کور نمی‌تواند در پایگاه‌های اطلاعاتی، در هر اندازه‌ای که باشند، موفق باشد. دلالت‌های نامشخص برای موضوع، نام، عنوان، و فروست که تابع هیچ نوع استانداردسازی- از جمله مهار واژگانی- نیستند با رشد پایگاه اطلاعاتی، نتایج هرچه ناقص‌تری را ارائه می‌کنند و وقتی پایگاه اطلاعاتی دوبلین کور در اندازه مناسبی ظاهر می‌شود، نتایج به دست آمده رضایتبخش‌تر از نتایج یک جستجو در فیلد متن آزاد در محیط وب، نخواهد بود.

۶. مانعیت و جامعیت^{۱۷}

تمامی نظام‌های بازیابی بر دو معیار مهم، یعنی مانعیت و جامعیت استوارند. در یک نظام کاملاً کارآمد، تمامی رکوردهای بازیابی شده دقیقاً با اصطلاحات جستجو مرتبط هستند (مانعیت ۱۰۰٪) و تمامی رکوردهای مرتبط بازیابی می‌شوند (جامعیت ۱۰۰٪). مثلاً اگر کاربری از طریق یک فهرست، آثار «اسکار وایلد»^{۱۸} را جستجو کند و فقط تمامی آثار او را که در کتابخانه موجود است بازیابی کند نه آثار دیگر را، این دو معیار به شکل کامل محقق شده‌اند. در دنیای واقعی، ممکن است که کتابخانه تعدادی از آثار «اسکار وایلد» (مانند اشعار او در جنگ‌های ادبی، مقاله‌های او در مجموعه‌هایی با چندین نویسنده) را داشته باشد که با جستجو از طریق فهرست بازیابی نشوند، ولی کاربر ممکن است انتظار داشته باشد که تمامی کتاب‌ها، نمایش‌نامه‌ها، مجموعه‌های نامه‌ها و اشعار «وایلد» را بازیابی کند. همچنین ممکن است فردی انتظار داشته باشد که جستجو برای «وایلد» در یک فهرست کتابخانه‌ای سازمان‌یافته، به دقت (مانعیت) بالایی دست یابد و تعداد مدارک بازیابی‌شده نامرتب با این نویسنده، صفر یا خیلی کم باشد. این مطلب را با نتایج حاصل از جستجوی متن آزاد در موتورهای کاوش مقایسه کنید. حتی جستجوی ساده نام یک نویسنده، حتی

برای نویسنده‌ای که نام نسبتاً نامعمول دارد، نتایج نادرستی را به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال برای استفاده در این مقاله، من جستجویی را با نام «مایکل گورمن» در گوگل انجام دادم. حدود ۷۷۱۰ مورد بازیابی شد. از ۱۰ یافته نخست (که گفته می‌شود مرتبط‌ترین‌ها هستند) سه تا مربوط به من بودند. مطالب دیگر ارجاع‌هایی بودند به فیلسوفی با همین نام در شهر واشنگتن^{۱۹}؛ مورخی در استنفورد^{۲۰}؛ یک موسیقیدان ایرلندی^{۲۱}؛ و یک مهندس مشاور در دنور، کلرادو^{۲۲}. تعداد ۷۷۰۰ مدخل باقیمانده نظم مشخصی نداشتند و برخی از آن‌ها حتی به فردی با نام «مایکل گورمن» نیز مربوط نبودند. این نتیجه عدم مهار مستند است. اگر هر مدخل گوگل فهرست‌نویسی می‌شد، نام، عنوان و نقاط دسترسی موضوعی استاندارد شده به آن اختصاص می‌یافت، به طوری که بیش از ۷۷۰۰ مدخل موجود، نظمی منطقی می‌یافت و همه مدخل‌های مربوط به هر «مایکل گورمن» با هم دسته‌بندی می‌شدند و از مدخل‌های مربوط به «مایکل گورمن»‌های دیگر متمایز می‌شدند. به عبارت دیگر در چنین حالتی جستجوگر از شناس معقولی برای تشخیص مدخل‌های مربوط به «مایکل گورمن» که او به دنبال آن‌ها است برخوردار است (مانعیت) و تمامی مدخل‌های دارای آن خصوصیت را تشخیص می‌دهد (جامعیت).

دو چیز مسلم است. نظامی که دارای مهار مستند است به طور آشکاری برتر از نظام فاقد مهار مستند است. در واقع، حالت دوم را به سختی می‌توان یک نظام نامید، زیرا نتایج جستجو تقریباً غیر قابل استفاده هستند. جستجوگر با هزاران رکورد بدون نظم و بدون وجه مشخصه چه می‌تواند بکند؟ نکته بدیهی دوم این‌که مهار واژگان و مستندی که برای جستجو در نظام گوگل لازم است، بسیار وقت‌گیر و گران خواهد بود. این دو عامل، هسته اصلی دشواری کار «فهرست‌نویسی وب» و اعمال کنترل کتابشناختی بر اینترنت و وب است. اگر بخواهیم از مانعیت و جامعیت در جستجوها مطمئن باشیم، باید مهار واژگانی داشته باشیم، اما نمی‌توانیم این کنترل را به انبوه مدارک حاشیه‌ای، موقتی، و بی‌ارزش وب گسترش دهیم. پس چاره چیست؟

۷. راه‌حل‌ها

اولاً، من معتقدم که ما یا باید کل ایده فراداده را به عنوان چیزی که هیچ سودمندی در پایگاه‌های اطلاعاتی بزرگ مورد استفاده کتابداران و کاربران کتابخانه ندارد، رها کنیم، یا این که طرح‌های فراداده‌ای را به قابلیت‌های رکوردهای کتابشناختی سنتی اضافه کنیم. ایده کنار گذاشتن فراداده ایده جالبی است، حتی اگر تنها به این دلیل بدیهی باشد که (همان‌طور که اخیراً به طور عملی ثابت شده است) چنین طرح‌هایی تنها در پایگاه‌های اطلاعاتی کوچکی که منابع تخصصی را دربرمی‌گیرند موفق هستند. اما ایده غنی‌سازی فراداده به منظور منطبق کردن آن با استانداردهای فهرست‌نویسی، شاید از لحاظ روانشناختی و سیاسی جذاب‌تر باشد. با این همه، تعدادی افراد و سازمان‌های بانفوذ، در طرح‌ها و برنامه‌های فراداده مشارکت دارند یا از آن حمایت می‌کنند و دشوار است تصوّر اینکه آن‌ها با واقعیت مواجه شوند و اظهار کنند که تا آنجا که به کتابخانه‌ها مربوط می‌شود، فراداده بی‌اثر است.

معضلی که چنین سازمان‌هایی با آن مواجه هستند، به گونه‌ای شسته و رفته در گزارش کتابخانه دانشگاه کرنل^{۲۳} درباره مشارکت آن‌ها در پروژه «کورک» (فهرست‌نویسی پژوهشی تعاونی)^{۲۴} که یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های فراداده‌ای است، شرح داده شده است:

بسیاری از کارکنان از فرم‌گزینش کاغذی که در حال حاضر به منظور گردآوری اطلاعات برای فراهم‌آوری و فهرست‌نویسی استفاده می‌کنیم ناراضی هستند و واداشتن کارمندان بخش خدمات فنی به این که در توصیف هر منبع اینترنتی از صفر شروع کنند نیز بی‌فایده است. اما اگر گزینشگران و کارکنان بخش مرجع شروع به ایجاد رکوردهای اولیه نمایند، از نظر محتوای رکوردها، چقدر می‌توان از آن‌ها انتظار داشت؟ آیا باید به دانشجویان و کارکنان فراهم‌آوری آموخت که از «کورک» و «دوبلین کور» برای دستیابی به رکوردهای اولیه استفاده کنند؟

در رابطه با مبحث بالا، ما مطمئن نیستیم که چگونه مجموعه عناصر دوبلین کور را پیاده کنیم. آیا باید رهنمودهایی در این زمینه وجود داشته باشد؟ آیا می‌شود بر سر برخی رهنمودهای بنیادی برای محتوای رکوردهای دوبلین کور دانشگاه کورنل، در طرح کورک

توافق‌هایی حاصل نمود (مانند آنچه کتابخانه دانشگاه مینه‌سوتا انجام داده است)؟ ما مطمئن هستیم که نمی‌خواهیم از دوبلین کوری استفاده کنیم که خسته‌کننده، وقت‌گیر یا پیچیده باشد؛ از این رو اگر رهنمودهایی داشته باشیم، یادگیری و استفاده از این رهنمودها، باید ساده و روشن باشد.^{۲۵}

نکته این است که استفاده از افرادی که مهارت و تجربه فهرست‌نویسان را ندارند برای تکمیل الگوهای فراداده‌ای، لزوماً منجر به ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی نامناسب و غیر قابل استفاده می‌شود. دیگر واقعیت مسلم این است که فهرست‌نویسی واقعی نیز ضرورتاً وقت‌گیر و پیچیده است. دنیای اطلاعات و دانش مضبوط، پیچیده است و شمار این پیچیدگی‌ها نامحدود است. تصور نظامی که بدون داشتن «رهنمود»های لازم (یعنی قواعدی که ماهیت و شکل محتوای رکوردها را نشان دهند) امکان‌بازیابی مناسب اطلاعات مرتبط را فراهم کند، ناممکن است. در نهایت نمی‌دانم آیا این حقیقت به ذهن افراد درگیر در طرح‌های فراداده‌ای خطور می‌کند یا نه، که فهرست‌نویسی با کیفیت بالا و در عین حال ارزان ناممکن است؛ اما از این می‌ترسم که قبل از آن، ما فرایند طولانی و پرهزینه آموزش و بازآموزی را طی کنیم، و ناکارآمدی پایگاه داده‌هایی را تجربه کنیم که رکوردهای فاقد استاندارد و مهار مستند را در خود جای داده‌اند.

دومین راه‌حل در بررسی عمیق و کامل ماهیت مدارک و منابع الکترونیکی نهفته است. ما نمی‌توانیم و نباید تمامی منابع الکترونیکی را فهرست‌نویسی کنیم، چرا که در دنیای چاپی، میلیون‌ها مدرک فرعی و موقتی را فهرست کرده‌ایم. مشکل این است که چگونه منابع الکترونیکی دارای ارزش ماندگار را پیدا کنیم، و بعد از این که فهرست‌نویسی شدند، چگونه آن‌ها را نگهداری کنیم. این‌ها سؤال‌های عمیق و پیچیده‌ای هستند که به سادگی پاسخ داده نمی‌شوند، اما برای پیشرفت ما در امر دسترس‌پذیرکردن منابع و مدارک الکترونیکی برای تمامی کاربران کتابخانه، ضروری‌اند.^{۲۶}

۸. به سوی کنترل کتابشناختی جهانی^{۲۷}

هدفی که در پشت «کنترل کتابشناختی جهانی» نهفته این است که هر مدرک در کشور خاستگاه آن، فقط یک بار فهرست‌نویسی شود و نتایج آن فهرست‌نویسی در تمام جهان

دسترس پذیر شود. اگر چه اکنون به تحقق این هدف آرمانی از هر زمان دیگری نزدیک تر شده ایم، اما هنوز فقدان دو عامل حیاتی در آن مشهود است: یکی قواعد فهرست نویسی (و سیاهه سرعنوان های موضوعی) مورد پذیرش جهانی و دیگری یک فایل مستند بین المللی. تنها یک راه برای دسترسی به این ابزارها و به تبع آن، تحقق کنترل کتابشناختی جهانی وجود دارد.

نخست ما باید قواعد فهرست نویسی برای نقاط دسترسی داشته باشیم که دارای واژه بندی یکسانی در هر زبان باشد (ما به توافق بین المللی درباره عناصر توصیفی در قالب استانداردهای آی.اس.بی.دی. رسیده ایم). از ملزومات چنین قواعدی این است که صرفاً از قواعد عمومی و مورد توافق گسترده ای تشکیل شده باشد که بتواند بر تفاوت های فرهنگی و زبانی فائق آید. برای مثال، ما همه می توانیم توافق کنیم که در برخی شرایط مشخص، شکل سرشناسه برای شخص باید در برخی موارد مشخص شده بر مبنای پرکاربردترین نامی که از آن فرد در انتشارات متعلق به او یافت می شود، و در موارد دیگر بر مبنای رایج ترین شکل از نام که در منابع مرجع درج شده است، باشد. به همین منوال، می توانیم توافق کنیم که مدخل مستقیم نام تنالگان ها ارجحیت دارد و بر سر مواردی که تنالگان ها می توانند به عنوان «مؤلف» آثار منتشر شده شان به شمار آیند، به توافق برسیم. به جای اینکه از اول شروع کنیم، می توانیم به عنوان یک مبحث عملی، از قواعد عمومی بخش ۲ قواعد فهرست نویسی آنگلو- امریکن، ویرایش ۲ به عنوان مبنای بحث ها درباره قواعد جهانی استفاده کنیم.

دوم اینکه ما باید یک فایل مستند جهانی تأسیس کنیم که در آن هر فرد، تنالگان، عنوان قراردادی، و موضوع، (بر مبنای ایده ای که در آی.اس.بی.ان^{۲۸} مورد استفاده قرار گرفته) با یک شماره مشخص شده باشد و آن شماره مشخص کننده رکوردی باشد که در آن، شکل استاندارد نام یا عنوان، با همه ویژگی های زبانی و فرهنگی متفاوت آن، قابل بازیابی باشد. یک مثال ساده آن چنین است، که شاعر رومی با نام Quintus Horatius Falceus، در کشورهای انگلیسی زبان به نام Horace، و در ایتالیا به نام Quinto Orazio flacco و نیز Orazio شناخته می شود. رکورد این شاعر در فایل مستند جهانی، هر چهار شکل نام او (و نیز تمامی نام هایی که او با آن نامها در زبان های دیگر شناخته می شود) را

در بر خواهد داشت و شکل مرجح نام او در زبان‌های انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی، فرانسوی و... را هم نشان خواهد داد (به پیوست نگاه کنید).

در انتقال رکوردها، تنها نماد عددی خنثای نام یا عنوان، در فیلد مربوطه در رکورد مارک اضافه خواهد شد. مثلاً یک رکورد مارک برای کل آثار «هوراس» که در فلورانس^{۲۹} منتشر شده، اطلاعات زیر را در بر خواهد داشت:

100 #a 32170-99

230 #a 97288-73

که پس از انطباق با فایل مستند جهانی، در کتابخانه‌های انگلیسی، آمریکایی، کانادایی، و ... به این شکل:

Horace

[Works]

و در یک کتابخانه ایتالیایی به شکل زیر نمایش داده خواهد شد:

Orazio

[Opere]

با این روش، قاعده فهرست‌نویسی جهانی، سرشناسه را براساس رایج‌ترین شکل نام در منابع مرجع در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف تعیین می‌کند و با ارائه عنوان قراردادی "Works" یا هر عبارت مناسب دیگری در زبان مورد نظر، آن آثار را کنار هم گرد می‌آورد. فایل مستند جهانی، امکان جابه‌جایی رکوردها را فراهم می‌کند به گونه‌ای که هم منطبق با قواعد فهرست‌نویسی باشد و هم تمهیدات مربوط به تفاوت‌های زبانی و فرهنگی به شیوه‌ای بی‌طرفانه در آن پیش‌بینی شده باشد.

۹. نتیجه‌گیری

مهار مستند در فعالیت‌هایی که ما با عنوان فهرست‌نویسی از آن یاد می‌کنیم، نقش اساسی و حیاتی دارد. فهرست‌نویسی - به معنای تجمیع منطقی داده‌های کتابشناختی در قالب رکوردهای قابل استفاده و بازیابی - فعالیتی است که کتابخانه را به تعقیب مأموریت‌های اصلی خود در ارائه خدمات و دسترسی آزاد و رایگان به تمامی اطلاعات و دانش مضبوط، قادر می‌سازد. ما بدون معماری کتابشناختی، نمی‌توانیم خدمات کتابخانه‌ای واقعی داشته

باشیم و بدون مهار مستند هم نمی‌توانیم معماری کتابشناختی داشته باشیم. این نکته، بسیار ساده و بسیار عمیق است.

پی‌نوشت‌ها

1. Gorman, M. 2004. Authority control in the context of bibliographic control in the electronic environment. In *Authority control in organizing and accessing information: definition and international experience*, ed. A. G. Taylor and B. B. Tillett, 11-21. New York: Haworth Information Press. http://www.sba.unifi.it/ac/relazioni/gorman_eng.pdf (accessed April 20, 2006).
2. Denotation
۳. در نظام‌هایی که دسترسی به مدارک و منابع را مهیا می‌کنند، «مکان» عبارت است از مکان‌یاب یکسان منبع (URL) یا چیزی شبیه به آن که با کلیک کردن بر روی آن، کاربر را به اصل منبع یا مدرک متصل می‌کند.
4. International Standard Bibliographic Description (ISBD)
5. Burger, Robert H. Authority work. Littleton, Colo.: Libraries Unlimited, 1985. p. 5.
6. Robert Burger
۷. من بیش از ۲۵ سال به دفاع از این نظام مدون پرداخته‌ام. به عنوان مثال نگاه کنید به: Gorman, Michael. Authority files in a developed machine system. In *What's in a name* / ed. and comp. by Natsuko Y. Furuya. Toronto: University of Toronto Press, 1978. pp. 179-202.
9. Online Public Access Catalogs (OPACs)
۹. نمونه‌های بسیاری هست که از جمله می‌توانید نگاه کنید به: Weibel, Stuart. CORC and the Dublin Core. *OCLC newsletter*, no.239 (May/June 1999)
10. Anglo American Cataloguing Rules (AACR2)
11. Online Computer Library Center (OCLC)
12. Dublin Core (DC)
13. Machine Readable Cataloging (MARC)
14. CORC at Cornell; final report. <http://campusgw.library.cornell.edu/corc>
15. Library of Congress Subject Headings (LCSH)
۱۶. اشاره به داستان رندی است که خود را به دروغ خیاط زبردستی به پادشاهی معرفی کرد و ادعا کرد که بهترین لباس را برای پادشاه خواهد دوخت و چنان پادشاه و اطرافیان را فریب داد که پادشاه را عریان، در بین مردم روانه ساخت و به او قبولاند که لباسی زیبا و فاخر به تن دارد. اطرافیان هم برای خوش‌آمد پادشاه دم بر نیاوردند. بچه‌ای به هنگام عبور پادشاه او را دید و

بانگ برآورد که پادشاه لخت است و تازه پادشاه متوجه شد که چه فریبی خورده است.
(مترجمین)

17. Precision and Recall
18. Oscar Wilde
19. Washington, DC
20. Stanford
21. Irish
22. Denver, Colorado
23. Cornell University
24. Cooperative Research Cataloging Project (CORC)
25. CORC at Cornell; final report.
<http://campusgw.library.cornell.edu/corc/>.

۲۶. برای مشاهده بررسی گسترش یافته‌ای از این مقوله نگاه کنید به:

- Gorman, Michael. The enduring library. Chicago: ALA, 2003. Chapter 7
27. Universal Bibliographic Control (UBC)
 28. International Standard Book Number (ISBN)
 29. Florence

(۱) کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی و رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر
پست الکترونیکی: khosraviar@yahoo.com

(۲) عضو هیئت علمی مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی و دانشجوی دوره دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز
پست الکترونیکی: zabedini@yahoo.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مهار مستند در سازماندهی و دسترسی اطلاعات

پیوست: استخراج شده از فایل مستند کتابخانه کنگره

100 0_	a Horace
400 1_	w nna a Horatijus Flaccus, Quintus
400 0_	a Horaz
400 0_	a Orazio
400 1_	a Goratsii Flakk, Kvint
400 0_	a Horacjusz
400 0_	a Horacy
400 0_	a Horats
400 0_	a Horatijus
400 0_	a Horatijos
400 0_	a Gorats ii
400 1_	a Horacjusz Flakkus, Kwintus
400 1_	a Khoratsii Flak, Kvint
400 0_	a Khoratsii
400 1_	a Orazio Flacco, Quinto
400 0_	a Horacij

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی